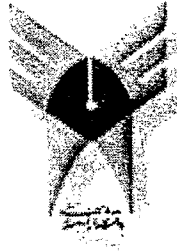


صلى الله عليه وسلم



دانشگاه آزاد واحد علوم پزشکی تهران

پایان نامه جهت دریافت دکترای حرفه ای

موضوع :

بررسی میزان عزت نفس در دانشجویان رشته پزشکی

دانشگاه آزاد اسلامی در مقایسه با دانشجویان رشته پزشکی

دانشگاه دولتی در مقطع کارورزی

استاد راهنما :

سرکار خانم دکتر مریم وحدت شریعت پناهی

نگارش :

مریم نعمتیان

سال تحصیلی ۸۷-۱۳۸۶

شماره پایان نامه : ۳۹۲۴

۹۴۵۱۶

کتابخانه دانشگاه آزاد اسلامی
تهران - واحد علوم پزشکی

۱۳۸۶ / ۱۲ / ۲۷

پروردگارا یاریم کن تا دستی بگیرم و مرهمی بگذارم و زخمی شفا دهم،

زین پس به رحمت تو محتاج ترم، یاریم کن که آنچه از دیده ها و شنیده

ها آموختم عاشقانه بکار بندم تا هرگز ناله دردمندی، خواب شیرین

زندگیم را نیاشوبد. آمین

گرچه ناچیز است اما تقدیم می دارم به پدر و مادر عزیزم به پاس
زحمات بیکرانشان ، که به ثمر نشستن این نهال ، حاصل آفتاب محبت
و باران تلاش و سایه امن وجود آنهاست که برای آسودگی من یک دم
نیاسودند ، توانشان رفت تا به توانایی رسم ، مویشانشان سپیدی گرفت
تا رویم سپید بماند .

تقدیم به برادر عزیزم که همچون کوه در زندگی ام استوار است.

تقدیم به خواهر خوبم که عطر خوش مهربانی و همراهی او در زندگی ام

جاریست

استاد گرامی و ارجمند سرکار خانم دکتر مریم وحدت شریعت پناهی:
در زمانیکه همه مرا انسان کاملی می پنداشتند تنها تو در زوایای روح
نقصان را بر طرف و تعالی می دادی و جملات ناتمام وجودم را کمال
بخشیدی اما افسوس یک جمله را نا تمام گذاشتی و آن " قدر استاد
دانستن " بود. چون توان تشکر از تو را فرا نگرفتم و هرگز توان قدردانی
ندارم.

فهرست

خلاصه فارسی	صفحه ۱
مقدمه	صفحه ۲
بیان مسئله	صفحه ۳
بازنگری منابع	صفحه ۵
روش کار	صفحه ۳۶
اهداف و فرضیات و متغیرها	صفحه ۳۹
یافته ها	صفحه ۴۰
بحث و نتیجه گیری	صفحه ۴۷
منابع	صفحه ۵۰
خلاصه انگلیسی	صفحه ۵۱

بسمه تعالی

عنوان: بررسی میزان عزت نفس در دانشجویان رشته پزشکی دانشگاه آزاد اسلامی در مقایسه با دانشجویان

رشته پزشکی دانشگاه دولتی در مقطع کارورزی

تحقیق و نگارش: مریم نعمتیان استاد راهنما: سرکار خانم دکتر مریم وحدت شریعت پناهی

تاریخ دفاع: شماره پایان نامه: ۳۹۲۴ کد شناسایی پایان نامه: ۱۳۶۱۰۱۰۱۸۵۲۰۸۲

چکیده

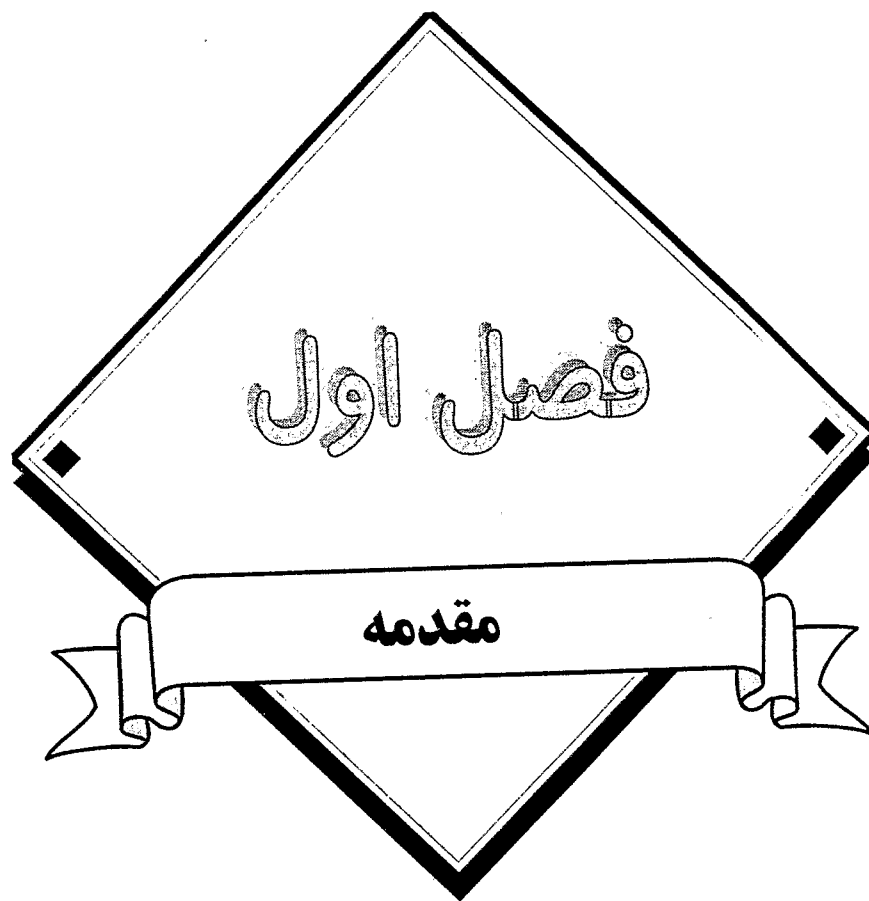
مقدمه: به طور کلی Academic Performance و تحصیل نیاز به آن دارد که فرد از عزت نفس بالایی برخوردار باشد تا بتواند نسبت به اطرافیان خود متمایز گردد و موفقیت تحصیلی را تجربه نماید. لذا با این فرض اولیه تصمیم به انجام این مطالعه در میان دانشجویان پزشکی دانشگاه آزاد اسلامی و دانشجویان پزشکی دانشگاه تهران در مقطع کارورزی گرفتیم.

روش انجام کار: مطالعه در پیش رو مطالعه ای مقطعی (Cross sectional) و توصیفی تحلیلی بوده و در سال ۱۳۸۶ انجام شده است. و تک تک افراد توسط پرسشنامه استاندارد کوپراسمیت که دارای ۵۸ سوال هست مورد ارزیابی قرار گرفتند. در مجموع ۲۰۰ نفری که مورد ارزیابی قرار گرفته بودند ۱۸۵ نفر معیارهای ورود به مطالعه را یافتند.

یافته ها: در مورد جنسیت افراد مطالعه ۴۱/۱٪ افراد مذکر و ۵۸/۹٪ افراد مونث بودند میانگین امتیاز عزت نفس در کل دانشجویان مورد مطالعه $5/773 \pm 34/14$ بود. عزت نفس در دانشجویان دانشگاه آزاد و دانشگاه تهران فاقد اختلافات معنی داری به لحاظ آماری بود ($P = 0/096$) همچنین میانگین عزت نفس در دو جنس مذکر و مونث به لحاظ آماری اختلاف معنی دار نداشت ($P = 0/404$)

نتجه گیری: آنچه در انتها به نظر می رسد این است که عزت نفس موضوعی فراجنسیتی بوده و اگر چه وضعیت تحصیلی بطورنسبی می تواند با آن ارتباط داشته باشد ولی عزت نفس تحت تأثیر فاکتورهای فرهنگی - اجتماعی و نیز سلامت روحی روانی افراد علاوه بر سایر عوامل شناخته شده در افراد قرار دارد.

واژگان کلیدی: عزت نفس، دانشگاه آزاد پزشکی تهران، دانشگاه پزشکی تهران، کارورزی



بیان مسئله:

همه افراد، صرف نظر از سن، جنسیت، زمینه فرهنگی، جهت و نوع کاری که در زندگی دارند، نیازمند عزت نفس هستند. عزت نفس واقعاً بر همه سطوح زندگی اثر می‌گذارد. در حقیقت بررسی های گوناگون روان شناسی حاکی از آن است که چنانچه نیاز به عزت نفس ارضا نشود، نیازهای گسترده تر نظیر نیاز به آفریدن، پیشرفت و یا درک استعداد بالقوه محدود می‌ماند. افرادی که احساس خوبی نسبت به خود دارند، معمولاً احساس خوبی نیزه زندگی دارند. آنان می‌توانند با اطمینان با مشکلات و مسولیت های زندگی مواجه شوند و از عهده آنها بر آیند (۱).

اکثر نظریه های روان شناختی کلاسیک و معاصر بر این عقیده متفق هستند که همه افراد نیاز فزاینده ای به عزت نفس دارند. تعاریف متعددی از جانب محققین در مورد عزت نفس صورت گرفته است که جهت روشن شدن مفهوم آن لازم است تعدادی از آن ها را ذکر کنیم تا نتیجه مناسبی حاصل گردد. کوپر اسمیت عزت نفس را یک قضاوت شخصی در مورد ارزش و مقبولیت خود می‌داند که در نگرش او ظاهر می‌شود (۲). ویلیام جیمز عزت نفس را تابع کسری از موفقیت ها بر انتظارات خود می‌داند، به طوری که هر چه موفقیت های شخص بیشتر از انتظاراتش باشد، عزت نفس او نیز بیشتر خواهد بود و در صورتی که عکس آن صادق باشد

عزت نفس کمتری خواهد داشت (۱).

Academic Performance و تحصیل نیز از جمله مقوله هایی است که نیاز به آن دارد که فرد از عزت نفس بالایی برخوردار باشد تا بتواند نسبت به اطرافیان خود متمایز گردد و موفقیت تحصیلی را تجربه نماید.

لذا با این فرض اولیه که افزایش میزان عزت نفس در یک دانشجوی می تواند همراه با وضعیت تحصیلی
بهتری باشد تصمیم به انجام این مطالعه در میان دانشجویان پزشکی دانشگاه آزاد اسلامی و دانشجویان
پزشکی دانشگاه تهران در مقطع کارورزی گرفتیم.

عزت نفس

الف: مبانی نظری

کلیاتی درباره عزت نفس

مربیان، والدین، رهبران تجاری و دولتی همگی بر این امر اتفاق نظر دارند که ما نیاز به پرورش اشخاصی با عزت نفس سالم و بالا داریم. افرادی که با خصوصیات مدارا و احترام قائل بودن برای دیگران مشخص می گردند و افرادی که مسئولیت اعمالشان را می پذیرند، دارای انسجام هستند، به موفقیت های خود مباهات می کنند، خود انگیخته اند، تمایل به ریسک کردن دارند، انتقادپذیر هستند، قادر به دوست داشتن و دوست داشته شدن اند، جویای چالش و برانگیزش ناشی از پیگیری اهداف ارزنده و دشوارند و بر زندگی شان احاطه و کنترل دارند. به عبارت دیگر ما نیازمندیم تا به رشد اشخاصی که واجد عزت نفس سالم و اصیل هستند، کمک نماییم، چرا که آن ها کسانی هستند که به وجود خود به عنوان یک تأیید کننده زندگی، فردی سازنده، مسئول و مطمئن اعتماد می کنند.

تعاریف متعددی از جانب محققین در مورد عزت نفس صورت گرفته است که جهت روشن شدن مفهوم آن لازم است تعدادی از آن ها را ذکر کنیم تا نتیجه مناسبی حاصل گردد. کوپر اسمیت عزت نفس را یک قضاوت شخصی در مورد ارزش و مقبولیت خود می داند که در نگرش او ظاهر می شود.

سیف در تعریف عزت نفس چنین آورده است: «نیاز به احترام به خود، به عبارت دیگر عزت نفس عبارت است از نیاز به کسب موفقیت و تأیید یا نیاز به ایجاد تصور مثبت درباره خود و دیگران و اینکه دیگران او را فردی قابل احترام بدانند.»

عزت نفس از نظر راجرز (۱۹۵۹) عبارت است از ارزیابی مداوم شخص نسبت به ارزشمندی خود یا قضاوت شخص نسبت به ارزشمندی وجود خود می باشد که این صفت عمومیت داشته و در همه مردم وجود دارد و حالتی است ثابت و دائمی. ویلیام جیمز (۱۹۸۰)، عزت نفس را تابع کسری از موفقیت ها بر انتظارات خود می داند، به طوری که هر چه موفقیت های شخص بیشتر از انتظاراتش باشد، عزت نفس او نیز بیشتر خواهد بود و در صورتی که عکس آن صادق باشد، عزت نفس کمتری خواهد داشت.

والد و برکلی عزت نفس را داشتن احساس خوب نسبت به خود، دوست داشتن خود و دوست داشته شدن و رفتار مناسب دیگران نسبت به او، احساس راحتی، احساس توانایی و موفقیت در رهبری می دانند. عزت نفس می تواند به عنوان احساس یک فرد درباره شایستگی و ارزشمندی خود تعریف شود. شایستگی بر اساس تعریف هایی که به وسیله ویلیام سوان ارائه شده عبارت است از: احساس عمومی فرد درباره لیاقت و توانایی خود. به بیان ساده، شایستگی عبارت است از داشتن اعتماد به نفسی که فرد عموماً قادر است با تکیه بر آن نتایج مورد انتظار را به دست آورد. داگلاس (۱۹۹۴) عزت نفس را دسته ای از اعتقادات می داند که بر پذیرش یا عدم پذیرش خود فرد دلالت می کند. منصور عزت نفس را چگونگی رضایت فرد از اعمال خود می داند. اسلامی نسب عزت نفس را درکی می داند که فرد از خودش دارد و این درک، با قضاوت

های ارزشی همراه بوده و میزانی از خویشتن پذیری و حرمت نفس را در بر میگیرد. او قضاوت های ارزشی فرد را همیشه مثبت نمی داند.

شاملو معتقد است عزت نفس ارزیابی مداوم و قضاوت او نسبت به ارزشمندی وجودی خود می باشد. مزلو از عزت نفس به عنوان یکی از نیازهای اساسی انسان یاد میکند، او در سلسله مراتب نیازهای خود، عزت نفس را پس از نیاز به عشق و تعلق قرار داده است و اعتقاد دارد که برای رسیدن به مراحل بعدی نیازها، لازم است تا نیاز به عزت نفس فرد ارضا شود. از نظر او هر فرد نیاز دارد که مورد احترام خود و دیگران واقع شود.

ناتانیل براندن در کتاب «قدرت عزت نفس»، عزت نفس را ارج نهادن ارزش و اهمیت خویش، مسئول خود بودن و در برابر دیگران مسئولانه رفتار کردن، می داند

به طور کلی از تعاریف فوق نتیجه می شود که عزت نفس یکی از ویژگی های شخصیت فرد است که بر ارزشیابی و قضاوت نسبتاً پایدار فرد (مثبت یا منفی) نسبت به خود دلالت می کند.

باید توجه داشت که عزت نفس با وجود شباهت هایی که با مفاهیمی چون خودپنداره و اعتماد به نفس دارد، با آن ها کاملاً یکسان نبوده و تفاوت هایی باهم دارند. برای روشن شدن مطلب در این بخش، این مفاهیم مورد بررسی قرار خواهند گرفت.

خودپنداره به صورت مجموعه باورهایی که شخص درباره خود دارد، تعریف می شود. به عبارتی هرفردی، باورهای خود درباره خودش را، خودش فراهم می آورد که اصطلاحاً خودپنداره نامیده می شود. در شکل گیری خودپنداره منابع زیادی وارد عمل می شود: واکنش های دیگران، مشاهده رفتار های خود،

مقایسه خود با اشخاصی که به او شباهت دارند و در همان محیط زندگی می کنند. در حالی که عزت نفس عبارت از ارزیابی شخص از ویژگی های خاص خود است. بنابراین، خیلی ساده می توان گفت که عزت نفس یعنی احساسی که فرد نسبت به خود دارد .

از نظر شاملو ، خودپنداره به معنای نگرش ، ادراک و برداشتی است که شخص از خود دارد. محور اصلی این پندار عبارت است از نام شخص، احساساتش نسبت به اندام و بدن خود، تصور از کل بدن، جنسیت و سن . هسته مرکزی خودپنداره شامل خصوصیات دیگری نیز هست که غیر مستقیم تر نمود دارند، مانند طبقه اجتماعی - اقتصادی، مذهب، پیشرفت های فردی و یا هر عامل دیگری که او را از دیگران جدا می سازد. خود ایده آل یا آرمانی، مجموعه ویژگی های شخصی و شخصیتی است که ما دوست داریم واجد آن ها باشیم. این تمایل ممکن است هدفی فردی و ذهنی باشد که ما در تخیل خود می خواهیم به آن دست یابیم و یا تصویری است که میل داریم از خود به دیگران نشان دهیم. خود ایده آل ممکن است بسیار دور از واقعیت و غیر قابل دسترس باشد. خود ایده آل این جنبه مثبت را دارد که وقتی شخص به آن برسد، راضی نبوده، متوقف نمی شود، بلکه هدف های خود را ارتقا می دهد و بار دیگر برای رسیدن به اهداف جدید تلاش می کند. به عبارت دیگر در تلاش برای رسیدن به ایده آل است، نه لزوماً در جهت تحقق خود ایده آل. از نظر اکبریخود پنداره عبارت است از مجموعه ویژگی هایی که فرد برای توصیف خویشتن به کار می برد که شامل افکاری راجع به شخصیت ظاهری و درونی ماست. مثلاً این که وزن فردی چند کیلوست یا اگر محصل است، چگونه دانش آموزی است، خوب یا ضعیف، جزء خود پنداره است. اما عزت نفس عبارت است از ارزشی که اطلاعات درون خودپنداره، برای فرد دارد و از اعتقادات فرد در مورد تمام صفات و

ویژگی هایی که در او هست، ناشی می شود. اگر نزد یک کودک دانش آموز، ممتاز بودن ارزش زیادی داشته باشد ولی خودش دانش آموز متوسط یا ضعیفی باشد، وی از پایین بودن عزت نفس خود رنج می برد، با این وجود ممکن است توانایی بدنی و محبوبیت همین کودک در میان همسالانش بیشتر از توانایی تحصیلی اش باشد. حال اگر او در هر دو زمینه ممتاز باشد، عزت نفس او بالا خواهد بود. پس عزت نفس هر فرد بر اساس ترکیبی از اطلاعات عینی در مورد خودش و ارزش های ذهنی که برای آن اطلاعات قائل است، بنا نهاده می شود.

بیابانگرد در کتاب «روش های افزایش عزت نفس در کودکان و نوجوانان» می گوید: «می توان نحوه شکل گیری عزت نفس را از طریق تفکر در مورد «خود ادراک شده» و «خود ایده آل» مورد آزمایش قرار داد. خود ادراک شده همان خودپنداره است یعنی یک دیدگاه عینی درباره مهارت ها، صفات و ویژگی هایی که در یک فرد وجود دارد یا فرد فاقد آن هاست. خود ایده آل عبارت است از تصویری که هر فرد دوست دارد از خود داشته باشد که لزوماً پنداری پوچ و بی معنی نیست، بلکه یک تمایل صادقانه برای داشتن نگرش ها و اسنادهای خاص است. زمانی که خود ادراک شده و خود ایده آل باهم همتراز باشند، فرد از عزت نفس بالایی برخوردار خواهد بود. برای مثال کودکی که پیشرفت تحصیلی در خور توجهی دارد و دانش آموز منضبطی نیز هست، باور و احساس خوبی در مورد خود دارد و برای صفات و ویژگی های واقعی خود ارزش مثبتی قائل است. بر عکس کودکی که خود ایده آل او این است که آدم مشهوری باشد ولی در واقع دوستان انگشت شماری دارد، از عزت نفس پایین برخوردار خواهد بود».

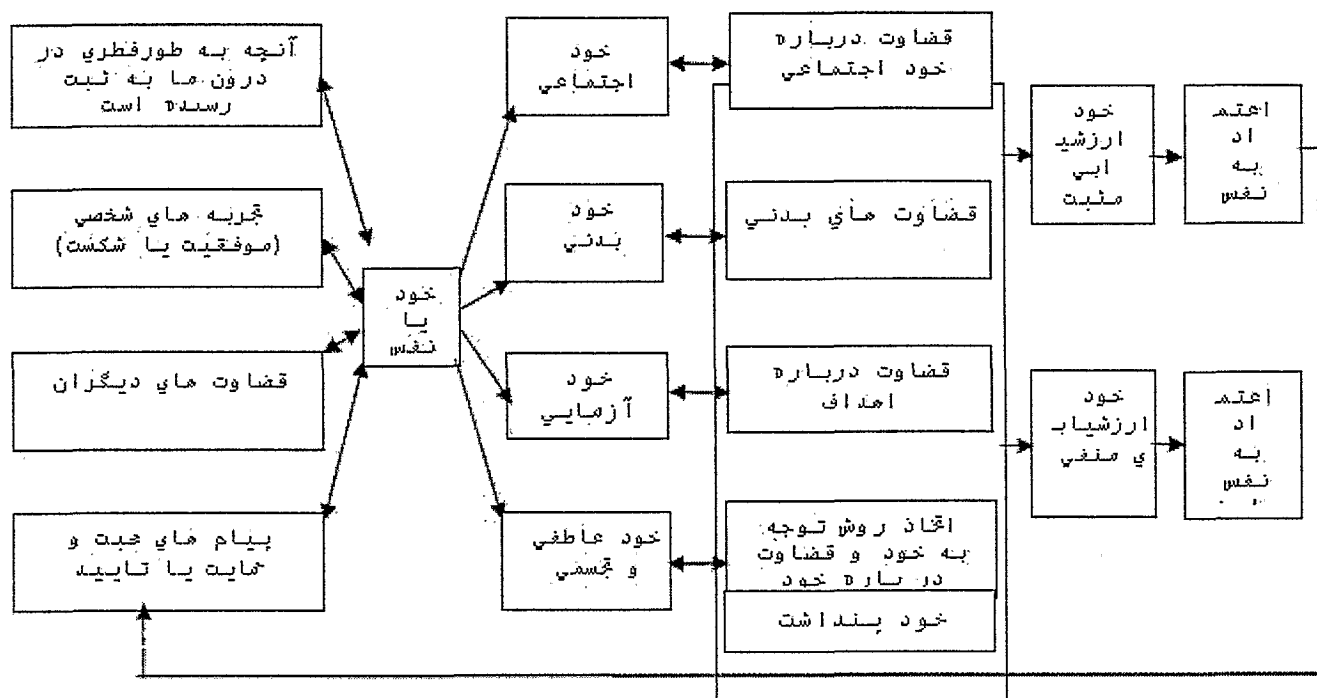
به عقیده فرانکن خود پنداره با عزت نفس ارتباط دارد. او در کتاب خود می گوید: «افرادی که از عزت نفس بالایی برخوردارند، از خود پنداره خوبی نیز بهره مند هستند ... وقتی افراد خودشان را درک می کنند، می توانند توانمندی های خود را افزایش دهند چرا که آن ها می دانند که از عهده چه کاری بر می آیند یا این که می دانند که از عهده چه کاری نمی توانند برآیند.»

اعتماد به نفس :

با وجود این که اعتماد به نفس می تواند در عزت نفس شرکت داشته باشد اما این دو با یکدیگر مترادف نیستند، بلکه عزت نفس ، اشاره به قضاوت ارزشی فرد نسبت به خود دارد در حالی که اعتماد به نفس به اثربخشی (خودکارایی) و اطمینان نسبت به عملکرد خود مربوط می شود. بین این دو رابطه مستقیمی وجود دارد به طوری که اگر در انسان اعتماد به نفس درستی وجود داشته باشد، عزت نفس نیز وجود خواهد داشت

اعتماد به نفس، ارزشیابی کلی ما درباره فضایل و قابلیت های خودمان، ارزش هایمان، اجزای بدنی، پاسخ های دیگران نسبت به خود و حتی گاهی نسبت به دارایی هایمان است. اعتماد به نفس با افسردگی رابطه منفی دارد و کسانی که اعتماد به نفس بالاتری دارند، از قدرت سازگاری بیشتری با محیط خود برخوردارند

اعتماد به نفس را می توان به شکل زیر ترسیم کرد :



بنابر نمودار بالا، تصورات فرد از خودش، که بر منابع مختلفی استوار است، باورهای فرد را نسبت به خود می سازد که به آن ها خودپنداره می گویند. این باورها، مبنای قضاوت فرد درباره خودش به حساب می آیند که اگر مثبت باشند، اعتماد به نفس فرد را بالا می برند و اگر منفی باشند، اعتماد به نفس او را سلب می کنند.

طبقه بندی عزت نفس :

عزت نفس به دو طبقه عزت نفس بالا و پایین تقسیم می شود:

عزت نفس بالا، یعنی احساس غرور در خود و قبول کردن عملکرد خود توسط شخص در زمانی که استعداد ذاتی خود را با کیفیت مثبت پرورش دهد (فرانکن، ۱۹۹۶). کوپر اسمیت (۱۹۶۷) کودکان برخوردار از عزت نفس بالا را افرادی می داند که با احساس اعتماد به نفس و با بهره گیری از استعداد و خلاقیت خود به ابراز وجود می پردازند و به راحتی تحت تاثیر عوامل محیطی قرار نمی گیرند.

فرد با عزت نفس پایین، نگرش مصنوعی نسبت به دنیا دارد و در مسیر ناامیدی تلاش می کند، تا به دیگران و خود نشان دهد که شخص لایقی است و یا ممکن است به درون خویش پناه ببرد و انزوا طلبی پیشه گیرد. فرد در چنین حالتی از ارتباط با دیگران می ترسد و از آن اجتناب می نماید و در این حال احساس غرور کمی دارد. فرد با عزت نفس بالا، مستقل عمل می کند و به پیشرفت هایش افتخاز می کند، مسئولیت پذیر است، به چالش های جدید مشتاقانه روی می آورد و ناکامی ها را به خوبی تحمل می کند. فرد با عزت نفس پایین، توانایی خود را از دست کم میگیرد و در دریافت محبت تردید دارد. احساس ناتوانی و درماندگی می کند و به آسانی تحت تأثیر دیگران قرار می گیرد. برای ضعف خود، دیگران را سرزنش می کند و شکست را به شانس نسبت می دهد.

عزت نفس و پیشرفت تحصیلی:

نتایج چندین مطالعه، همبستگی شایان توجهی (۰/۶-۰/۴) بین پیشرفت تحصیلی و خودپنداره توانایی را نشان داده است (بروک اور، ۱۹۸۱؛ مارش، ۱۹۸۴؛ اسکالویک ۱۹۸۶). بین پیشرفت تحصیلی و عزت نفس کلی نیز همبستگی ۰/۳ تا ۰/۴ یافته شده است (روبین ۱۹۷۸؛ اسکالویک، ۱۹۸۴، ۱۹۸۶). از طرف دیگر هانسفورد (۱۹۸۲) طی تحقیق خود رابطه معناداری (همبستگی در حدود ۰/۶) بین خود پنداره توانایی و عزت نفس کلی به دست آورد (بیابانگرد، ۱۳۸۰).

بر اساس یک الگوی منطقی هر فردی می تواند چهار الگوی احتمالی علی را مطرح کند که هر یک از آن ها را می توان به صورت نظری مورد بحث قرار داد.

الف: علت: ب: بر اساس اصل ارزیابی انجام شده (روزنبرگ، ۱۹۷۹) فردی ممکن است پیش بینی نماید که پیشرفت تحصیلی اش بر خودپنداره اش، از طریق ارزیابی های دیگر افراد مهم تأثیر می گذارد. شبیه همین پیش بینی ممکن است بر اساس تئوری مقایسه اجتماعی انجام شود (فستینگر، ۱۹۵۴). طبق این تئوری، پیش بینی فرد به عملکردش در گروه اجتماعی مورد مقایسه (به ویژه در میان همکلاسان که اهمیت زیادی دارند)، بستگی دارد. (راجرز، اسمیت و کلمین، ۱۹۸۷). مطابق نظر (دیویس، ۱۹۷۸) دانش آموزان ممکن است در صورتی که خودشان را با اکثریت همکلاسی هایشان مقایسه نمایند، اشتیاق نسبتاً پایینی داشته باشند. پارکر و مارش (۱۹۸۴) نیز نظری مشابه همین نظر، از طریق فرضیه «چهارچوب داوری» مطرح می نمایند. مطابق این مدل، تغییر خودپنداره احتمالاً پیامد افزایش موفقیت و پیشرفت است تا این که متغیری ضروری برای پیشرفت.

۱- ب علت الف: بر اساس تئوری همسان سازی خویشتن (جونز، ۱۹۷۳؛ کلی ۱۹۵۴) فردی ممکن است پیش بینی کند که دانش آموزان دارای خودپنداره تحصیلی پایین، ممکن است از موقعیتهایی که در آن ها می توانند خود پنداره شان را تغییر دهند، اجتناب ورزند. از این رو سعی و تلاش کمتری را در مدرسه از خودشان نشان می دهند. همچنین بر اساس نظریه خود ارزشی و زنجیره پیشرفت - توانایی، دانش آموزان مبتلا به انتظار پیشرفت پایین، ممکن است تدابیر اجتناب از شکست، از جمله طفره رفتن را بیشتر آموخته باشند. البته باید در نظر داشت که آسودگی موقتی که به توسط این تدابیر اجتناب از شکست حاصل شده گمراه کننده است، زیرا سرانجام به شخص آسیب خواهد رساند. بنابراین در صورتی که فرد انتظار پایینی از خودپنداره توانایی اش داشته باشد، پیشرفت تحصیلی کمتری را نیز تجربه خواهد کرد.